
سیری در نظریه‌ها و اندیشه‌های انسان‌شناسی
اجتماعی - فرهنگی

سکندر امان‌اللهی بهاروند



فهرست

۷	پیش‌گفتار
۹	فصل یکم: انسان‌شناسی و اهداف آن
	فصل دوم: مروری بر اندیشه‌های انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی
۱۹	در عهد باستان
۵۱	فصل سوم: سده‌های میانه
۱۰۵	فصل چهارم: عصر نوزایی و اکتشافات
۱۳۹	فصل پنجم: سده هجدهم: سده خردگرایی یا عصر روشنگری
۱۵۹	فصل ششم: سده نوزدهم: عصر نظریه تکامل‌گرایی
۲۰۹	فصل هفتم: سده بیستم: واکنش به تکامل‌گرایی
۲۳۵	فصل هشتم: فرهنگ و شخصیت
۲۵۷	فصل نهم: تحولات اخیر در نظریه‌های انسان‌شناسی فرهنگی - اجتماعی
۳۰۵	سخن پایانی
۳۰۷	منابع و یادداشت‌ها

فصل یکم



انسان‌شناسی و اهداف آن [۱]*

تاکنون کتاب‌های متعددی با عنوان انسان‌شناسی در ایران به چاپ رسیده است که محتویات بسیاری از آن‌ها با انسان‌شناسی (Anthropology) مورد بحث ما متفاوت است. برای مثال، چندی پیش در یکی از کتاب‌فروشی‌های شیراز، کتابی با عنوان *انسان‌شناسی* نظرم را جلب کرد اما با نگاهی گذرا معلوم شد که محتوای آن با انسان‌شناسی علمی همخوانی ندارد. زیرا نویسنده تشخیص خلق و خوی و شخصیت انسان‌ها را امری ذاتی و مرتبط با وضع ظاهری جسمی چون قیافه و خطوط کف دست‌ها و غیره دانسته است. بسیاری از مردم فکر می‌کنند انسان‌شناس می‌تواند با نگاهی به وضع ظاهری افراد، از وضعیت روانی و چگونگی شخصیت آن‌ها آگاهی یابد و حال آن‌که چنین باوری نادرست است. از طرفی، بعضی از کتاب‌ها با عنوان «انسان‌شناسی»

* منابع و یادداشت‌های کتاب را بنگرید.

منتشر شده‌اند که محتویات آن‌ها تنها محدود به مباحث فلسفی-دینی درباره انسان است. این نوع «انسان‌شناسی» به دلایل مختلف با انسان‌شناسی مورد نظر ما متفاوت است. حال این پرسش اساسی مطرح است که انسان‌شناسی چیست؟ ساده‌ترین تعریف از انسان‌شناسی چنین است: انسان‌شناسی علمی است که ابعاد (طبیعی) و غیرجسمی (فرهنگی-اجتماعی) انسان را بدون محدودیت زمان و مکان بررسی می‌کند. بنابراین هدف کلی انسان‌شناسی همانا شناخت انسان است که چنین شناختی تنها از راه بررسی سیر تحولات جسمی-فرهنگی انسان در طول میلیون‌ها سال گذشته و نیز بررسی وضعیت فرهنگی-اجتماعی جوامع کنونی و مقایسه آن‌ها امکان‌پذیر است.

ویژگی‌های انسان‌شناسی

انسان‌شناسی هرچند شاخه‌ای از علوم اجتماعی و یا علوم انسانی است، با این حال چون تمام ابعاد انسان را بررسی می‌کند، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است از جمله:

۱. کلی‌گرایی (holistic)

مهم‌ترین ویژگی انسان‌شناسی همانا کلی‌نگری یعنی توجه به تمام جنبه‌های جسمی-فرهنگی انسان است. انسان‌شناسی در بین تمام علوم، تنها علمی است که به تمام ابعاد انسان توجه دارد. چنان‌که، برای مثال زیست‌شناسی تنها به بررسی وضع جسمی انسان توجه دارد، و حال آن‌که علوم اقتصاد و سیاست ابعاد اقتصادی و سیاسی انسان را بررسی می‌کنند اما انسان‌شناسی نه تنها وضع جسمی بلکه به تمام جنبه‌های غیرجسمی از جمله زبان، ساخت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دینی و غیره توجه دارد.

۲. پژوهش میدانی (field work)

یکی دیگر از ویژگی‌های انسان‌شناسی آن است که پدیده‌های مربوط به انسان را از طریق پژوهش‌های علمی-تجربی بررسی می‌کند. برای مثال، انسان‌شناسی برای پی بردن به تحولات جسمی-فرهنگی انسان، به بررسی سنگواره‌ها و آثار به جا مانده از انسان در طول میلیون‌ها سال گذشته می‌پردازد. و نیز انسان‌شناسی برای شناخت جوامع کنونی، جنبه‌های گوناگون آن‌ها را عملاً بررسی می‌کند.

۳. روش مقایسه‌ای (comparative method)

انسان‌شناسی برای شناخت ابعاد مختلف انسان از روش مقایسه استفاده می‌کند. بر این اساس، انسان‌شناسی از یک سو، از طریق پژوهش‌های میدانی به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد و از دیگر سو، با مقایسه اطلاعات گردآوری شده، به نتیجه‌گیری می‌پردازد. به دیگر سخن، انسان‌شناسی تنها با مشاهده یک یا چند مورد اکتفا نمی‌کند، بلکه برای دستیابی به قوانین کلی درباره انسان، به مقایسه موارد گوناگون می‌پردازد.

۴. پیوستگی با علوم طبیعی

انسان‌شناسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است اما با این حال، برخلاف دیگر علوم اجتماعی، پیوند نزدیکی با علوم طبیعی به ویژه زیست‌شناسی و زمین‌شناسی دارد. این پیوستگی ناشی از ماهیت و گستردگی این علم در ارتباط با مطالعه ابعاد گوناگون انسان شکل گرفته است. چنان‌که، انسان‌شناسی برای شناخت جنبه زیستی و یا جسمی انسان، ناگزیر است از یافته‌های دانش زیست‌شناسی بهره‌گیری کند. و نیز برای پی بردن به تحولات جسمی انسان در طول میلیون‌ها سال گذشته،